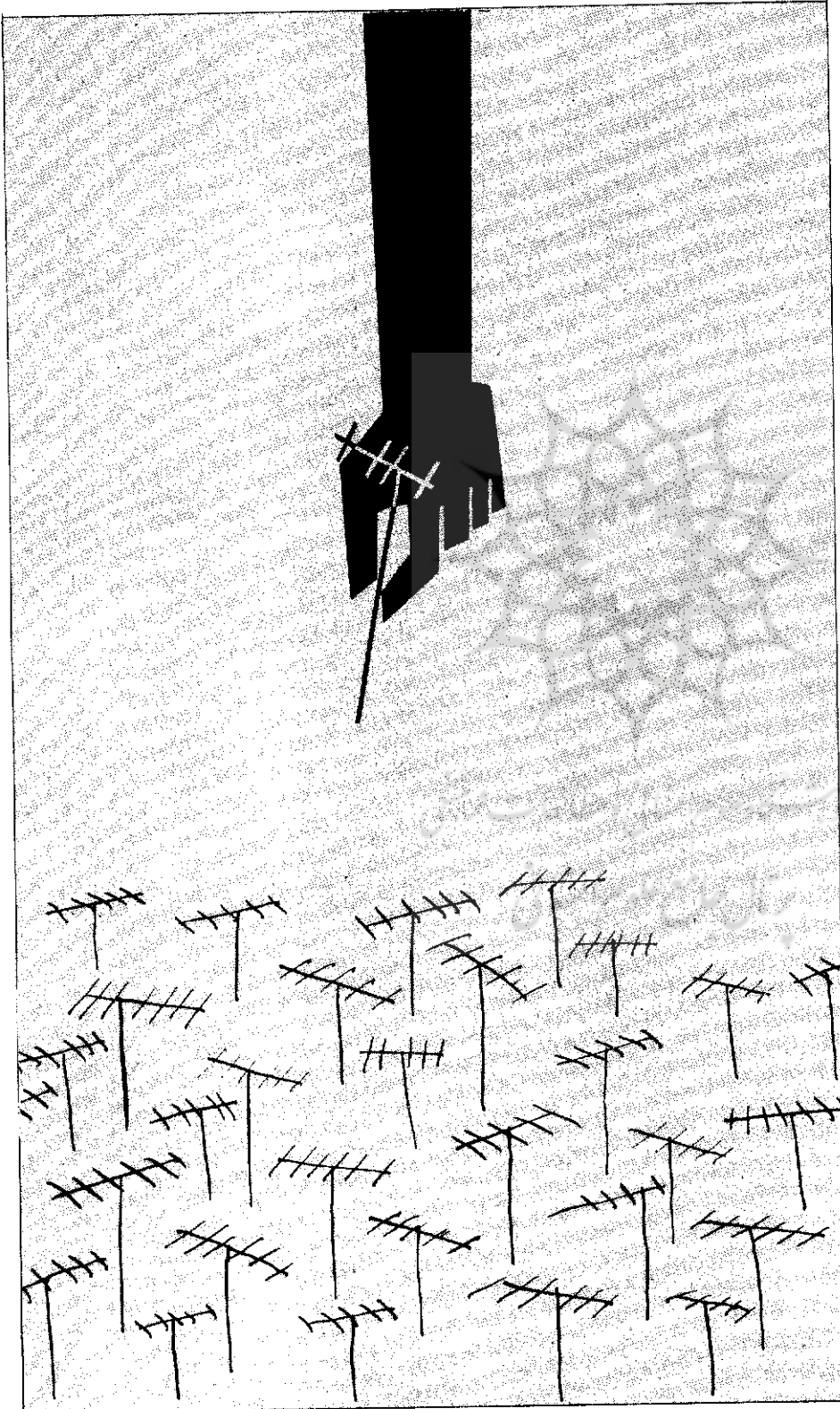


# خداوند گاران دهکده جهانی

بن. اچ. باگداکیان  
ترجمه: وحید امامی



«مارشال مک‌لوهان» در دهه شصت اصطلاح «دهکده جهانی» را رایج کرد. منظور او از این اصطلاح، تبیین جهانی است که توسط تلویزیون و دیگر شگفتیهای عصر الکترونیک به هم پیوسته و به وسیله آنها دگرگون می‌شود. وی در کتاب معروف خود به نام «شناخت وسایل ارتباط جمعی» پیش‌بینی کرد که کره زمین توسط یک شبکه اطلاعاتی دربر گرفته خواهد شد، دموکراسی در آن گسترش یافته و وضعیتی «نشاط‌انگیز» پیدا خواهد شد که در آن «تفاهم و اتحاد جهانی» و همچنین هشیاری عمومی و جهانی برقرار است. هم‌اکنون دهکده جهانی که مک‌لوهان آن را پیش‌بینی کرده بود، در حال شکل‌گیری است. «گلاس‌نوست» در شوروی، آشوب در اروپای شرقی و تقاضا برای آزادی در چین، همه در مقیاس واقعی پاسخی به تصورات آزادی و حیثیت بشری است که توسط شبکه‌های موثری که مک‌لوهان آنها را پیشگویی کرده بود، منتقل شده است.

در سالهای اخیر، شبکه‌های دیگری نیز توسعه یافته که به منظور تأثیرگذاری بر اذهان جهان از راه [ارسال] پیامها و به دور از آگاهی حقیقی و وضوح «یک بیداری عمومی و جهانی» طراحی شده است. چند سازمان خصوصی بسیار بزرگ به تدریج بروسایل ارتباط جمعی دنیا مسلط می‌شوند. بسیاری از آنها با اطمینان اذعان می‌کنند که دهه ۹۰، پنج تاده شرکت به هم پیوسته بزرگ، بسیاری از روزنامه‌ها، مجله‌ها، کتابها، ایستگاههای سخن‌پراکنی، سینماها و مراکز ضبط نوارهای ویدیویی را زیر کنترل خود قرار خواهند داد، علاوه بر این، هر یک از این شرکت‌های جهانی قصد آن دارند که کلیه مراحل فرآیند اطلاع‌رسانی را از ایجاد «محصول» گرفته تا کلیه وسایل مختلفی که تکنولوژی مدرن به وسیله آنها پیامها را به مردم انتقال می‌دهند زیر نظارت قرار دهند. «محصول» عبارت است از، اخبار، اطلاعات ایده‌ها، سرگرمیها و مطالب مورد علاقه مردم.

نیروی محرکه همه اینها ساده و روشن است: این بخشهای متحد و متصل، قدرت جذب پول را دارند. در سال ۱۹۷۹ بزرگترین ادغام وسایل ارتباط جمعی در تاریخ صورت گرفت و آن خرید یک شرکت تلویزیونی و بخش آگهیهای تبلیغاتی به وسیله زنجیره روزنامه‌های «گارت» به مبلغ ۳۶۲ میلیون دلار بود. «روبرت مرداک» نه سال بعد مجله «راهنمای تلویزیون» و سایر مجلات را از «تراینگل پابلیکیشنز» به مبلغ سه میلیارد دلار از «والتر انتیگر» خریداری کرد. تنها هفت‌ماه بعد ائتلاف شرکت‌های سهامی «تایم» و «ارتباطات وارنر» بزرگترین مؤسسه ارتباطی جهان را به ارزش هیجده میلیارد دلار به وجود

آورد. در نهم آوریل شرکت «گلف+وسترن» (انتشارات سیمون و شوستر و پارامونت پیکچرز) که زمانی متنوعترین مجتمع در کشور به شمار می‌رفت، اعلام کرد که قصد دارد با فروش همه وسایل خویش به استثنای تجهیزات ارتباط جمعی، به منظور متمرکز کردن فعالیت‌هایش روی معدن جدید طلا که همان وسایل ارتباط جمعی باشد، وارد رقابت جهانی شود و پس از تقریباً نیم‌قرن نام خود را به «شرکت سهامی ارتباطات پارامونت» تغییر دهد.

مردانی که این امپراطوریه‌ها را اداره می‌کنند، خداوندگاران دهکده جهانی هستند. عده‌ای مثل «روبرت مرداک» و «رابرت مکسول» چهره‌هایی شناخته شده‌اند، اما بعضی به قدری ناشناس هستند که بسیاری از آمریکاییان وقتی بشنوند بسیاری از مطالبی را که مطالعه می‌کنند، توسط شخصیتی با شهرت اندک اهل «گوئر اسلوج» آلمان غربی منتشر می‌شود، تعجب خواهند کرد. اشخاص دیگری نیز در این امپراطوریه‌های بی‌دروپیکردر گمنامی و فراموشی به رفت‌وآمد مشغولند. ولی شیوه کار هر چه باشد، این سلطنت‌های جدید مطبوعاتی می‌کشند تا از فرآیندهای سیاسی و تکنولوژیکی جهان بهره گیرند.

پیشرفتهای نوین مثل ماشینهای چاپ اپتیک، این امکان را داده‌اند که با سرعت هر چه بیشتر و هزینه کمتر مطالب در سطح جهانی چاپ و پخش شود. مرزهای ملی به‌طور روزافزونی معنای خود را از دست می‌دهند: هم‌اکنون دایرةالمعارف «آمریکانا» را فرانسویها و کتابهای «نیوآمریکن لایبری» را بریتانیاییها و «دایرةالمعارف بریتانیکا» را آمریکاییها نیز به چاپ می‌رسانند. در بسیاری از کشورها و بویژه کشورهای اروپای غربی انحصارات سخن‌پراکنی دولتی در برابر فعالیتهای تجاری و تبلیغاتی تسلیم می‌شوند. این تصادفی نیست که ادغام وسایل ارتباطی، با تمایل همانندی در میان سازمان‌های تبلیغاتی همراه شده است. بزرگترین سازمان تبلیغاتی دنیا به نام «ساعتچی و ساعتچی لندن» در هشتاد کشور شعبه دارد و بیستدرصد برنام‌های تجارتي را برای مشتریانی مثل «پروکتروگمبل» خریداری می‌کند.

سهام خبرگزاری «گروه آگیلوی» که در نوع خود از بزرگترین سازمانها در دنیا می‌باشد، پس از یک مزایده خصمانه و تصاحب آن از سوی «دبلیو. پی. پی» در لندن، پنج‌موسه درصد افزایش یافت. باتکمیل شدن این معامله، «دبلیو. پی. پی» به صورت دومین آژانس بزرگ جهان در خواهد آمد و سرمایه آن به دوازده و نیم میلیارد دلار بالغ شده و در پنجاه و سه کشور دنیا فعالیت خواهد کرد.

اتحاد سرمایه‌های این نیروهای مالی، قدرتی انحصاری را ایجاد می‌کند که از قدرت اقتصادی و مالی بسیاری از کشورها فراتر می‌رود و آنها را از رشد باز می‌دارد. به طور مثال، ارزش کل

سهام شرکت تازه ادغام شده «تایم ووارنر» هیجده میلیارد دلار می‌باشد، یعنی بیش از مجموع درآمدهای ناخالص ملی کشورهای اردن، نیکاراگوئه، بولیوی، لائوس، آلبانی لیبریا و مالت، نبرد این شرکتها برای تسلط بر بازار بین‌المللی با نزدیک شدن سال ۱۹۹۲ که در آن قرار است دوازده کشور بازار مشترک اقتصادی اروپا تشکیل یک قدرت واحد اقتصادی - با ۳۲ میلیون مصرف کننده - بدهند، هر روز اوج بیشتری می‌گیرد. به طوری که برآورد می‌شود، سرمایه مشترک آنها یکی از بزرگترین داراییها و قدرتها در دنیا خواهد بود. بویژه تعداد بی‌سابقه بینندگان تلویزیونی آن در نوع خود در کل جهان بی‌نظیر خواهد بود.

این انحصار ناقص جهانی رسانه‌های گروهی، در چشم مصرف کننده آشکار و مریی نیست. هنوز دهکده‌های روزنامه فروشی پر از روزنامه‌ها و مجلات متنوع و گوناگون و رنگارنگ با موضوعات متفاوت است. هنوز کتابفروشیها و کتابخانه‌ها قفسه‌های متعدد انباشته از کتابهای مستقل را عرضه می‌کنند. هنوز در سراسر جهان بنگاههای سخن‌پراکنی و کانالهای تلویزیونی ویژه افزایش پیدا می‌کند، این امر در مورد نوارهای صوتی و تصویری که به دهها زبان تکثیر می‌شوند نیز صادق است. اما اگر این شهر فرنگ درخشان به یکباره نابود شود و علائم و نشانه‌های کسانی که این محصول را در تصاحب دارند، جایگزین آنها گردد، این تنوع از میان رفته و چند شرکت چند ملیتی مسلط فعلی بر صحنه حاکم خواهند شد.

این مسئله نوید خوشی در مورد «تفاهم جهانی» ابراز شده از جانب مک‌لوهان نخواهد بود. خداوندگاران دهکده جهانی دستورالعمل سیاسی مخصوص به خود را اعمال خواهند کرد. همه آنها در مقابل تغییرات سیاسی که از منافع مالی آنها حمایت نکنند، مقاومت خواهند کرد. آنها قدرتی یکسان کننده را بر عقاید، فرهنگ و تجارت دنیا اعمال می‌کنند، قدرتی که بیشتر از هر چیز دیگری در تاریخ بر اجتماعات انسانی تاثیر می‌گذارد. سزار و هیتلر، فرانکلین روزولت و پاپ هم هرگز صاحب چنین قدرتی برای شکل دادن آگاهیها و اطلاعات به این جمعیت انبوه نبودند. آنها صاحب قدرتی بی‌مانند هستند و اجتماعات انسانی در مورد تصمیم‌گیری در باره اینکه مثلاً به چه کسی باید رای دهند و یا چه چیزی باید بخورند، به آنها وابسته‌اند.

از: نیشن  
(۱۲ ژوئن ۱۹۸۹)

